



ابزار در خدمت ما، نه بر ما!

گفت و گو با محمدرضا سرکارآرانی، دکترای آموزش تطبیقی و بین الملل
و استاد دانشگاه ناگویای ژاپن

● تنظیم کننده: شهلا فهیمی

آنچه در این گفت و گو می خوانید، محصول دغدغه‌ها و دل نگرانی‌ها و در عین حال فرصت‌های حاصل از فناوری‌های نوظهوری است که در عصر دیجیتال و عصر به سرعت در حال تغییر، دل و دیده بسیاری را به خود مشغول کرده و هر دم و نادم به فراز و فرود می کشاند. پاسخی به این دل نگرانی‌ها و دغدغه‌ها که آیا فناوری‌ها و پدیده‌های نوظهور می توانند جای انسان را بگیرند و به جای او بنشینند و... حاصل گفت و گوی زنده و دوستانه و از راه دور حیدر تورانی، سردبیر نشریه رشد مدیریت مدرسه، و استاد تمام مدیریت آموزشی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، و محمدرضا سرکارآرانی، استاد نام‌آور و نام‌آشنای ایران و جهان در حوزه تعلیم و تربیت از دانشگاه ناگویای ژاپن است.

روح خویش را در او دمیده و او را خلیفه و جانشین خود در زمین نامیده و با آفرینش او (از حیث جسمی و روحی) به خودش آفرین گفته و او را احسن الخالقین و اشرف مخلوقات نامیده است. «خردورز، اهل تعقل و تدبیر، اندیشه‌ورز، پرسشگر، کنشگر و صاحب عاملیت. بنابراین، به زعم من، از آنجایی که خداوند اشرف مخلوقات است، فناوری قادر نیست جای انسان بنشیند. از دیگر سو، انسان روز به روز قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایش گسترده‌تر می شود و همه آن اتفاقاتی که می افتد، دلیل وجود انسان و حاصل خرد، پرسشگری و اندیشه‌ورزی اوست. هر چه اتفاقات نوظهور و نوپدید بیشتر، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های از قوه به فعل انسان نیز بیشتر. گفته می شود، آنچه اکنون دستاورد بشری محسوب می شود، محصول ۲۰ درصد از کل ظرفیت بالفعل شده اوست! آقای دکتر سرکارآرانی! نظر شما چیست؟»

● دکتر محمدرضا سرکارآرانی: دل نگرانی‌های ما و

● دکتر حیدر تورانی: این روزها برخی و بیشتر از برخی، تحت تأثیر هوش مصنوعی ذوق زده و نیز نگران‌اند که این ابزار جای انسان را بگیرد. البته بخش زیادی از این حالت‌ها و احوال، طبیعی و بدیهی است و عیب و ایرادی هم بر آن وارد نیست. این را که ما بترسیم یا مرعوب و گنگ خواب‌دیده شویم که هوش مصنوعی عن‌قرب است که جای انسان بنشیند، تردید دارم و بهتر است بگویم باور ندارم. همیشه عرض کرده‌ام که انسان بعد از اختراع صنعت چاپ انسان قبل از آن نیست و با آن خیلی متفاوت است و ظرفیت‌ها و توان بالفعلش بسیار بالاتر رفته است. همین‌طور انسان بعد از رایانه، اینترنت و ماهواره، نسبت به انسان قبل از آن‌ها از توان و ظرفیت بیشتری برخوردار بوده و خوب‌تر عمل می کند. انسان عصر دیجیتال و هوش مصنوعی و بعد از آن، انسان دیگری است با ظرفیت و توان و نبوغ بیشتر! در قرآن کریم آمده است: «انسان مخلوق خداست و خداوند



دیگران ناشی از آشوب ابزار است و بس. از رادیو، تلویزیون، تلگراف، تلفن، اورهد، رایانه، رایانه کیفی و... ادامه دارد. ابزار فراتر از اندازه و ارزش ابزار نمی‌رود! جای اندیشه را نمی‌گیرد؛ هر چه هم پیچیده باشد و هشیار. ابزارگردانی ابزار در این سال‌ها از بالاتاب (اورهد) تا چت‌جی‌پی‌تی و... نشان داده است که مدرسه‌های ما بیشتر تشنه پرسش و اندیشه‌ورزی هستند تا همتی برای ابزارگردانی ابزار! با گوشی نوکیا کجا را گرفتیم که با آی‌فون ۱۶ بگیریم! انسان بی‌پرسش، «ملول هوشیاری» و آگاهی کاذب است و بسان باد از شاخه‌ای به شاخه‌ای می‌جهد و دل‌بند ابزار است. مدام درباره اهمیت و شأن ابزارهای نو و تفاوت‌هایش با گذشتگان سخن می‌راند، به خیال آنکه شاید ابزار راهی بگشاید و او را از ناخوانا بودن، نانو‌سیاسی و بی‌فکری و بی‌عملی برهاند. ابزار، سفره فرهنگ و اندیشه و رفاه را پهن نمی‌کند! اندیشه‌ای از درون لازم است! و اندیشه به پرسش تازه یا رفوی پرسش قبلی و شفاف‌سازی آن نیاز دارد.

راه رفته دیگران راه حل ما نیست

یقین‌های بادآورده را باد می‌برد! بازاندیشی در راه طی شده‌ام آرزوست

(ادب آموزش) متفاوت است. آزمون (تست‌زدن) با بیناشدن و نویاشدن متفاوت است. ما باد زیاد می‌زنیم، ولی از سر دیگر سرنا! چگونه می‌شود ملتی برای دهه‌ها مشهورترین آثار پسانوگراها (پست‌مدرن‌ها) را زمزمه و زمزمه کند و هم‌زمان، از مواجهه با اینجا و اکنون عقب‌ماندگی خود در هراس باشد! سخن از پسانوگرانی (پسامدرنیسم) و مرور کهن‌الگوها یا انگاره‌های بنیادین نوگرایی و ارزش‌های آن، با اینجا و اکنون ایران، نسبت وثیقی ندارد. غرب‌گریب را بخوانید. غرب دوران انتقادی نوگرایی را می‌گذراند، به معنی هشیاری و نقادی ناسامانی‌ها و ناهنجاری‌ها و پیامدهای نوگرایی!

ما به تدریج دوران هوشیاری، نسبت به عقب‌ماندگی خود پسا می‌گذاریم! علوم انسانی و علوم اجتماعی وارداتی نیز مسئله‌هایی از ما حل نکرده‌اند و به عجز جافتاده ما چه بسا در «ندانم‌کاری» و خیال‌بافی‌های پرهزینه، افزوده‌اند. علوم انسانی که به نقد نوگرایی اهتمام دارد، با علوم انسانی برای توانمندسازی ما در چگونگی مواجهه با عقب‌ماندگی‌هایمان (بازگشت، احیا، اصلاح، بازیگری یا...) متفاوت است. اندیشه در تجربه دیگران، پنجره‌هایی برای تماشا و پرسش درباره آن‌ها به ما نشان می‌دهد از چه منظری به آینده خیره شده‌ایم؟ ولی راه رفته دیگران راه حل ما نیست.

یقین‌های بادآورده را باد می‌برد! بازاندیشی در راه طی شده‌ام آرزوست.

هوس چشم‌انداز، هوای تحول، هجوم به نانو، جلوه‌گری فراجهان، ازدحام فناوری‌های تازه، عشوهری فضای رایانه‌ای،

در ژاپن، مهد ابزار، همه می‌پرسند: چه کسی پرسش بعدی را مطرح می‌کند؟ پرسشی صیقل‌خورده و روشن‌تر از دیروز برای فرزی و جلای اندیشه و ورز ایده. این روزها ابزار در جهان داده و اطلاعات و تا حدودی دانش، بیشتر جولان می‌دهد؛ تازه اگر برایش پرسش درستی مطرح کنیم. انسان تکیه به حکمت دارد، نویسا و پرسشگر و سنجشگر است. هوش مصنوعی فاقد حکمت است و فضیلتی فراتر از داده، اطلاعات و ارائه دانش است. انسان، انسان است به خاطر خلاقیت و نوآوری. بنابراین توانایی اشتباه کردن و آموختن از آن را دارد.

توانایی دست بر زانوی خویش گرفتن و برخاستن از خاکستر شکست را دارد. این‌ها معنی انسان بودن است. در ایران اما، با نگاهی به عقب‌ماندگی‌های خود، به ابزارها دخیل بسته‌ایم. دیروز تافلر^۱ و «موج سومش» نقل مجالس بود و امروز هراری^۲ و انسان خردمندش! پارسال فراجهان (متاورس) و حالا هوش مصنوعی، دیروز تخته هوشمند و حالا چت‌جی‌پی‌تی. برای ما شاید بیشتر بزرگ اجتماعی است و جولان دادن با نمره آی‌فون: از شما چند است، از ما شانزده است!

اندیشه با آهستگی، آرام‌پزی، آرام‌خوانی، آرام‌گویی و... است. مادر، مادر است، انسان، انسان، و اندیشه، اندیشه است. یادمان هست دوران کرونا چه آشوبی بود! چقدر فریاد کردند که مدرسه مُرد، دانشگاه چنین و چنان... تدریس... علم... کجایند مدعیان برافتادن رسم شاگردی و معلمی؟ آیا می‌دانید در برخی دانشگاه‌های معتبر، اگر بخواهید به دلایلی یک جلسه را غیرحضور کنید، اجازه و تدبیر و دلیل قابل‌قبولی لازم است!

برگزاری مناسک آموزش (آداب آموزش) با یادگیری زاینده



نمی‌دهیم. معلمی که نمی‌پرسد «چرا این ابزار؟» فقط کاربر است، نه کنشگر تربیتی. در چنان فضایی، فناوری فکر می‌کند و معلم اجرا می‌کند!

برخی مدرسه‌ها به امکانات فوق‌نویین مجهزند و برخی هنوز به اینترنت پایدار دسترسی ندارند. در چنین شرایطی، هر نوع بازآفرینی نقش معلم مبتنی بر فناوری، نه تنها ناعادلانه، بلکه تبعیض‌آفرین است. چگونه می‌توان نقش معلم را بر اساس فناوری بازتعریف کرد، وقتی خود فناوری به نابرابری دامن می‌زند؟ این روزها فناوری در آموزش بیشتر به صورت کالایی تجملی (لوکس)، شیک و

«ضروری» عرضه می‌شود.

چه می‌توان کرد؟ معلمان را به جای شیفتگی به فناوری، به شکورزی درباره روش‌های استفاده از آن دعوت کنیم. آیا فناوری همیشه باعث یادگیری بهتر شده است؟ آیا رابطه‌ها را انسانی‌تر کرده است؟ ما در مسیر شدن هستیم؛ در قوس صعود و نزول معرفت. هر لحظه دیگر می‌شویم، که: کل یوم هو فی شأن... دعا کنیم به آگاهی ناب برسیم.

و اما اگر انسان نقش خویش را تمام و کمال ایفا کند و به نیازهای دنیا بی‌خاصیت و بی‌توجه نشود، هیچ چیز جای او را نمی‌گیرد. اگر بی‌خاصیت و به عبارت دیگر از انسان و ظرفیت‌هایش دور شود و از درجهٔ اعلی‌علیین به اسفل السافلین روی آورد، دیگر آن انسان مدنظر و آمده در قرآن نیست و فناوری (هوش مصنوعی) یا هر چیز دیگر می‌تواند جای او را بگیرد و به عبارتی به جای او بنشیند. به عبارتی دیگر با آمدن فناوری (هوش

مصنوعی و...)، نه اینکه مدرسه و دانشگاه تعطیل شده و معلم و استاد خانه‌نشین می‌شوند، بلکه هست و حضور دارد، اما دیگر صائب نیست و نزد دانش‌آموز و دانشجو مرجعیت ندارد، مگر آنکه خویشتن را از ابعاد گوناگون دریابد و بالنده کند.

درخت تو گر بار دانش بگیرد
به زیر آوری چرخ نیلوفری را
چو تو خود کنی اختر خویش را بد
مدار از فلک چشم نیک اختری را
(ناصر خسرو، دیوان اشعار، قصیدهٔ ۶)

پی‌نوشت‌ها

1. Alvin Toffler

2. Yuval Noah Harari

۳. محمدرضا سرکار آرانی، غرب غریب، روزنامه شرق، شمارهٔ ۴۸۵۸، ۲۹ خرداد ۱۴۰۳.

**وقتی اصالت را به
فناوری می‌دهیم،
معلم دیگر
«صاحب‌خانهٔ
تربیت» نیست،
بلکه مهمانی گذرا در
اتاق الگوریتم‌هاست
و همیشه منفعل
خواهد بود**

سخنرانی درباره یا پیرامون هوش‌های چندگانه، مصنوعی و... دست‌کم تاکنون جای مسئلهٔ نداشته‌مان را نگرفته و راه برون‌رفتی برای بحران‌های دیروز و امروزمان نشان نداده است. فردا چه کلیدواژه یا ابزار تازه‌ای از راه رسد و دلبری کند، نمی‌دانم! ز سحر خبر ندارم. ولی می‌دانم که اندیشه‌ای از درون و اندیشه‌ای درون‌زا لازم است! البته اگر مسئله‌ای باشد. شاید «بی‌مسئله‌گی» عین مسئلهٔ ماست!

● **دکتر تورانی:** بله. فناوری‌های نوظهور نمی‌توانند

نقش معلم را مشخص کنند و به‌عنوان پایهٔ تغییر نقش معلم در نظر گرفته شوند، بلکه معلم باید تصمیم بگیرد از فناوری چگونه استفاده کند. ابزار اصالت ندارد. لازم و ضروری است معلمان را مجتهد تربیت کنیم، نه آنکه از آن‌ها یک «فن‌ورز (تکنسین) آموزش دیجیتال» بسازیم! نباید دچار وارونگی غایت و وسیله شویم. فناوری‌ها را در چارچوب هدف‌های تربیتی بیازماییم، نه آنکه هدف‌های تربیتی را با فناوری‌ها هم‌راستا کنیم. در این صورت، از تربیت فقط «مهارت‌های کار با ابزار» می‌ماند، نه رشد شخصیت و عقلانیت. وقتی اصالت را به فناوری می‌دهیم، معلم دیگر «صاحب‌خانهٔ تربیت» نیست، بلکه مهمانی گذرا در اتاق الگوریتم‌هاست و همیشه منفعل خواهد بود.

متأسفانه مشاهده می‌شود که سیاست‌های آموزشی به‌جای نگاه فلسفی به فناوری، نگاه ابزاری و شفاف‌بخش دارند. گویی «هرچه جدید است، خوب است...» معلمان را با ابزار جدید آشنا می‌کنیم، اما تفکر نقاد دربارهٔ فناوری را به آن‌ها یاد